

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۸۹، صفحات ۱۷-۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۱۲/۲۰

نظریات اندیشمندان ژئوپولیتیک جهان در مورد اهمیت نظامی خلیج فارس

محمدجعفر چمنکار^۱

چکیده

خلیج فارس و دریای عمان با بهره‌مندی از یک سلسله ویژگی‌های خاص طبیعی و سیاسی، چون قرار گرفتن در قلب خاورمیانه پرتنش و بهره‌مندی از ذخایر گران‌بهای انرژی و سرمایه حاصل از آن و اتصال به سرزمین‌های بری و بحری، مجاورت با حوزه قفقاز و بین‌النهرین و هلال خصیب، داشتن سواحل طولانی، بریدگی‌های فراوان، عمق کافی آب و نفوذ آن در خشکی و بنادر و جزایر متعدد از اهمیت فراوانی در استراتژی‌های تدافعی و تهاجمی نظامی برخوردار است. این جایگاه که از ادوار کهن وجود داشت در قرن نوزده و بیستم مورد تأکید اندیشمندان ژئوپولیتیک جهان قرار گرفت. بر این اساس جایگاه فوق استراتژیک این حوزه ضمن تأثیرگذاری بر سایر تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حفظ خواهد گردید.

کلید واژه‌ها: خلیج فارس، اهمیت سوق الجیشی، نظریات اندیشمندان ژئوپولیتیک، جایگاه نوین نظامی.

۱- استادیار دانشگاه ارومیه و پژوهشگر تحولات خلیج فارس و دریای عمان.

مقدمه

ژئوپولیتیک معانی مختلفی دارد. برای مثال می‌توان آن را مترادف جغرافیای سیاسی یا سیاست در ابعاد مختلف و از جنبه‌های مختلف معنا کرد. اما در حقیقت؛ معنی اصلی یا بین‌المللی آن؛ «رقابت بین دولت‌های قدرتمند یا همان ابرقدرت‌ها برای کسب برتری». در بعدی کوچک‌تر؛ ژئوپولیتیک به معنای «رقابت» بین دولت‌های کوچک یا ایالت‌های مختلف یک مملکت برای برتری و قدرت است. اما در بحث استراتژیک؛ ژئوپولیتیک؛ به حفظ تمامیت ارضی کشورها اطلاق می‌شود. گاه آن را مترادف با سیاست‌گذاری بین‌المللی با تکیه بر توان نظامی در نظر می‌گیرند. گذشته از همه این تعابیر و بر طبق نظر نظریه‌پردازان قدیمی و جدید؛ ژئوپولیتیک به معنی «رابطه بین‌المللی بین دولت‌ها و کشورها» معنی می‌شود. بر طبق این نظریه و از این دیدگاه؛ در دنیای امروز؛ ملتی برتر است که برداشتی صحیح و دقیق از ژئوپولیتیک داشته و برای دستیابی به قدرت و تسلط بر سیاست حاکم بر جهان ابرقدرت‌ها؛ تلاش بیشتری بکند؛ به عبارتی شرط بقای ملت‌ها؛ آگهی، تسلط و نفوذ در سیاست حاکم بر جهان ابرقدرت‌هاست. به صورت کلی ژئوپولیتیک یا سیاست جغرافیایی عبارت است از مطالعه روابط قدرت‌ها براساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می‌گذارد و یا امکاناتی که می‌توان از محیط جغرافیایی گرفت. مسلماً هدف یک قدرت (به عنوان یک پدیده جغرافیایی - سیاسی) از این روابط ایجاد موازنه با قدرت‌های دیگر برای تأمین امنیت در راستای حفظ منافع ملی و گسترش آن با توجه به نقش امکانات جغرافیایی است. به این ترتیب سیاست جغرافیایی عبارت است از هنر ایجاد موازنه قدرت با رقیب‌هایی در سطح منطقه‌ای و جهانی در راستای تأمین امنیت جهت حفظ و گسترش منافع ملی. با این تعریف، ژئوپولیتیک بیشتر حالت نگاهی فراملتی دارد. ژئوپولیتیک به مطالعه اثر عوامل جغرافیایی روی سیاست‌های دگرگون‌شونده جهانی می‌پردازد. در این برخورد است که به نظر می‌رسد ژئوپولیتیک عمده توجه خود را روی اشکال دگرگون‌شونده سلسله‌مراتب قدرت در جهان که خود دست‌آورد بازی‌های سیاسی جهانی قدرت است، تمرکز می‌دهد. به گفته دیگر ژئوپولیتیک از جهتی عبارت است از مطالعه ترتیب و توالی قدرت در جهان سیاسی تقسیم شده و از هم گسیخته، مطالعه‌ای که هم شکل جهانی ترتیب و توالی را در نظر دارد

و هم اشکال منطقه‌ای آن را بررسی می‌کند. در مطالعه موقعیت‌های ژئوپولیتیک در مناطق گوناگون و یا در کشورها، معمولاً منابع و امکاناتی که جلب توجه قدرت‌ها را نماید، مانند منابع طبیعی معدنی و ثروتی و یا موقعیت جغرافیایی و استراتژیک بر سر راه‌های عمده بازرگانی بین‌المللی در خشکی یا دریا و یا قرار گرفتن در کنار تنگه‌های حساس استراتژیک مورد نظر قرار می‌گیرد. در ژئوپولیتیک، مباحثی که مربوط به مسائل استراتژیک و دفاعی فراکشوری می‌شوند مانند پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، در چارچوب نقش‌آفرینی‌های ژئوپولیتیک مورد بررسی قرار می‌گیرند، در حالی که آنچه که مربوط به اقتصاد در موازنه‌های جهانی و منطقه‌ای می‌شود، ازدید ژئواکونومیک شایان بررسی است و مسائل مربوط به آب و بازی‌های سیاسی مربوط به آب از دیدگاه هیدروپولیتیک مورد مطالعه قرار دارد و همه این اصطلاحات مانند اصطلاحات مشابه دیگر زیر چتر مطالعات ژئوپولیتیک قرار دارد. در این پژوهش با تأکید بر منابع دست اول به بررسی نظریات دانشمندان ژئوپولیتیک جهان در مورد اهمیت منطقه خلیج فارس پرداخته شده است. بر این اساس اهمیت استراتژیک این حوزه تداوم خواهد یافت.

الف- اهمیت طبیعی و سوق‌الجیشی نظامی حوزه خلیج فارس

خلیج فارس و دریای عمان محور ارتباطی ما بین قاره‌های آسیا در بخش‌های جنوبی، شبه‌قاره هند، شرق و جنوب شرقی، اروپا و آفریقا می‌باشد و به علت اینکه در خاورمیانه قرار گرفته، بر میزان اهمیت آن افزوده گردیده است. خاورمیانه با مجموعه متعددی از کشورهای عربی و غیرعربی، امکانات اقتصادی ویژه و بحران‌های همیشگی سیاسی، نظامی و فرهنگی، همواره جزء کانون‌های بحران‌خیز و مرکز ثقل تحولات جهانی بوده است. خلیج فارس و دریای عمان با استفاده از این قابلیت، توانایی اتصال به سایر سرزمین‌های بری و بحری را دارا می‌باشد. چنانکه با بهره‌مندی از این ویژگی خاص به اقیانوس هند، اقیانوس آرام، اقیانوس اطلس، دریای سرخ، دریای مدیترانه و دریای سیاه مرتبط می‌شود. این امر سبب گردیده تا خلیج فارس و دریای عمان به صورت سنتی و تاریخی حلقه ارتباطی بین شرق و غرب آسیا و سپس ماورای آن باشد (صفوی، ۱۳۸۵: ۷). در شمال مرزهای ایران و در

مجاورت دریای عمان و خلیج فارس، سرزمین روسیه شوروی، ماورای خزر، قفقاز و آسیای میانه قرار دارد. در نتیجه یکی از نزدیک‌ترین حوزه‌های بحری گرم برای روسیه شوروی، این دریا می‌باشد. خلیج فارس و دریای عمان توانایی اتصال سرزمین‌های بدون دریای آزاد آسیا میانه و بخش اعظم کشورهای مشترک‌المنافع را به سراسر جهان دارد. مجاورت ایران و حوزه‌های دریایی جنوب در کنار مرزهای یک ابرقدرت و تأثیر آن در سیاست مهار اتحاد شوروی در شرایط نیاز، بر اهمیت این بخش از جهان به‌ویژه برای جهان غرب به‌شدت افزوده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۰). در غرب ایران، بین‌النهرین باستان و عراق قرار دارد که همواره در تحولات سیاسی، اقتصادی و نظامی خاورمیانه نقش‌آفرین بوده است. مجاورت دریای عمان در حدود ایران و راس‌المسندام با اقیانوس هند و شبه‌قاره هند، حلقه ارتباطی خلیج فارس با دریاهای آزاد جهان است. بدین علت روابط مابین شبه‌قاره هند با منطقه خاورمیانه در ابعاد گوناگون از ادوار کهن باستان برقرار بوده است (چمنکار، ۱۳۸۵: ۱۳).

در جنوب تنگه هرمز، شبه‌جزیره عربستان و مجموعه‌ای از کشورهای عرب قرار گرفته‌اند که با وجود قلت جمعیت و سرزمین از توانمندی فراوانی در استراتژی‌های اقتصادی و نظامی جهان برخوردار هستند. تعداد فراوان بنادر و جزایر کوچک و بزرگ در پهنای این دریا که دارای اهمیت فراوان سوق‌الجیشی در معادلات ابر قدرتها می‌باشد، این امر را تشدید نموده است. جغرافیای خاص و جایگاه طبیعی ارزشمند خلیج فارس و دریای عمان از مهم‌ترین ویژگی‌های آن در میان سایر عوامل اهمیت محسوب می‌گردد (الهی، ۱۳۷۰: ۱۶). حلقه اتصال دریای نیمه‌بسته خلیج فارس به آب‌های آزاد جهان از طریق تنگه هرمز انجام می‌گیرد. در میان ۱۶ گذرگاه استراتژیک جهان، تنگه هرمز و آبراه حد فاصل جزیره ابوموسی و جزایر تنب‌کوچک و بزرگ از اهمیت فراوانی برخوردارند (عزتی، ۱۳۸۲: ۱۷۵). این تنگه در میان بیش از ۱۰۰ تنگه میان اقیانوسی و آبراه در جهان با عرض کمتر از ۴۰ کیلومتر (۲۵ مایل)، به همراه جبل الطارق، بسفر و باب‌المندب، جزء چهارمین مورد برتر به شمار می‌رود (الاسدیر، ۱۳۶۹: ۱۷۳). بخش اعظم رفت و آمد ناوگان‌های تجاری و نظامی جهان به منطقه خلیج فارس و دریای عمان گذرگاه مذکور صورت می‌پذیرد. موقعیت طبیعی خلیج فارس و دریای عمان در ارتباط با جهان اسلام نیز اهمیت خود را نشان می‌دهد. مرکز جهان اسلام

شامل شبه‌جزیره جنوب غربی آسیا است که محدوده مرزهای شرقی ایران، جبهه شرقی آن را تعیین کرده و دیگر مرزهای آن بر گرد آب‌های مدیترانه شرقی، دریای سرخ، دریای عرب، دریای عمان و خلیج فارس تکیه دارد (احمدیان، ۱۳۸۲: ۱۶۳). شرق جهان اسلام که از مرزهای شرقی، و جنوب شرقی ایران آغاز می‌گردد، کلیه مسلمانان غرب و شمال هند، بنگلادش را دربرمی‌گیرد. این بخش از جهان اسلام در منطقه تقاطع آفریقا و اروپا متمرکز شده است. محلی که دریا در خشکی نفوذ نموده و در واقع نقش گره مواصلاتی جهان اسلام را ایفا می‌نماید. این محدوده به مثابه یک منطقه بزرگ ترانزیتی و یک چهارراه مهم تجاری جهان نیز عمل می‌کند (بیومونت، ۱۳۶۹: ۷-۱۱). خلیج فارس و دریای عمان در ارتباط با منطقه هلال خصیب نیز می‌باشد. مجموعه شبه‌جزیره جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) و موقعیت کوهپایه‌ای دهلیز هلال خصیب که از شرق مدیترانه تا خلیج فارس و دریای عمان اقتدار یافته، کشورهای اردن، سوریه، لبنان، عراق، شبه‌جزیره عربستان و ایران را در میان خود جای داده است (عزتی، ۱۳۸۲: ۸۰). این حوزه دریایی از دیدگاه مشخصات فیزیکی وضعیت طبیعی سواحل نیز برجسته است. داشتن سواحل طولانی، بریدگی‌های فراوان و رخنه آن در خشکی، عمق کافی آب، موقعیت بسیار مناسبی را برای ساخت لنگرگاه‌ها و بنادر برای بارگیری و باراندازی کشتی‌های اقیانوس پیما عظیم فراهم آورده است. اقیانوس هند نیز با دو شاخک و زائده‌ای (بازو) خود یعنی خلیج فارس و دریای سرخ و اقیانوس اطلس از طریق دریای مدیترانه و دریای سیاه، بیشترین نفوذ اقیانوس‌ها را در آفریقا و اوراسیا ایجاد نموده است (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۶). خلیج فارس در ابتدای راه‌های زمینی حوزه خاورمیانه، آسیای مرکزی و اروپا در محل تلاقی محورهای بزرگ ارتباطی زمینی که خاور دور را به آفریقا و هند متصل می‌کند، قرار دارد و این موقعیت طبیعی، قابلیت آن را در تجارت زمینی و بری نیز نشان می‌دهد (نیک‌ضمیر، ۱۳۸۱: ۴).

ب- نظریات دانشمندان ژئوپولیتیک

از قرن ۱۹م/ ۱۲ ش این اندیشه که قدرت دریایی عاملی قاطع برای استیلا بر جهان است، رواج یافت. براساس این گونه تفکرات قدرت دریایی عبارت است از مجموعه توانایی‌های

یک ملت در استحصال منافع خویش از دریاها و اقیانوس‌ها با به کارگیری آب‌های دنیا برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و نظامی در زمان صلح و جنگ به منظور نیل به مقاصد و اهداف ملی (بندر و دریا، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹).

۱- الفرد تایلر ماهان^۱

نظریه قدرت دریایی به مفهوم رایج آن برای نخستین بار در سال ۱۸۹۴م/۱۲۹۳ ش، توسط الفرد تایلر ماهان (۱۸۴۰-۱۹۱۴) / (۱۲۱۹-۱۲۹۳ش) دریادار و مورخ دریایی آمریکایی منتشر گردید (Livezli, ۱۹۸۱: ۳-۹)، (crowl, ۱۹۸۶: ۴-۱۳). او به تدریس تاریخ و استراتژی‌های دریایی در کالج نظامی نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا پرداخت (seager, ۱۰۷۷: ۳-۴، Columbia encyclopedia, ۲۰۰۳: ۱).

ماهان نویسنده کتب و مقالات متعدد در ارتباط با نقش نیروی دریایی در شکل‌گیری رخدادهای مهم تاریخی چون جنگ استقلال آمریکا، انقلاب فرانسه. ۱۹، جنگ‌های دریایی با اسپانیا در ابتدای قرن ۱۲/۱۹ش ۲۰. و علایق دریایی آمریکا. ۲۱، می‌باشد. (mahan, ۱۸۹۷: ۴-۱۳)، (mahan, ۱۸۹۹: ۳-۹)، (mahan, ۱۸۹۲: ۲-۹)، (mahan, ۲۰۰۶: ۱۱-۱۶). او در کتاب معروف خود تحت عنوان تأثیر قدرت دریایی بر تاریخ، با ارائه اسناد و مدارک و نمونه‌های تاریخی روشن ساخت که ظهور و تداوم قدرت‌های بزرگ در جهان همواره با تکیه بر قدرت بصری و برتری نسبی در دریاها صورت گرفته است و در نهایت نتیجه گرفت که لازمه حکومت بر دنیا، حکومت بر دریاهای مهم جهان است (mahan, ۱۸۹۰: ۳-۸).

از دیدگاه او داشتن موقعیت دریایی مناسب، کنترل استراتژیک بر راه‌های آبی و پایگاه‌هایی که دشمن ممکن است از آنها برای محاصره و تهدید استفاده کند، در اختیار داشتن سواحل طولانی برای ایجاد بنادر و لنگرگاه‌ها و تأسیسات دفاعی و ساخت بنادر نظامی و تجاری در

1- Mahan Alfred Thayer

عمق خاک کشور که ضامن قدرت دریایی و کسب ثروت است، از عوامل مؤثر در پیدایش یک ابر قدرت دریایی است (عزتی، ۱۳۸۲: ۵۷).

از نظر ماهان قدرت دریایی عامل قاطع در ایجاد یک ابر قدرت بین المللی است و بدون در اختیار داشتن این ویژگی، حتی در صورت شکل گیری یک قدرت بزرگ، فروپاشی زود هنگام را خواهد داشت (mahan، ۱۸۹۰: ۲۹-۱۶).

او در برخی از آثار خود به تحولات سیاسی و نظامی قاره آسیا و تأثیرات مسائل آن در تحولات بین المللی پرداخته است (mahan، ۱۹۰۰: ۱۷-۱۳).

ماهان با بررسی اهمیت خلیج فارس و دریای عمان می نویسد: «کنترل خلیج فارس به وسیله یک دولت خارجی با نیروی دریایی قابل توجه و ناوگان جنگی که دارای بنادر نظامی نیرومند باشد، سبب تسلط بر تمام راههایی که به خاور دور، هندوستان و استرالیا منتهی می شود، خواهد گردید» (تقوی اصل، ۱۳۸۶: ۳).

۲- هالفورد مکیندر

سر هالفورد مکیندر^۱ (۱۸۶۰-۱۹۴۷ / ۱۳۲۶-۱۳۳۹ ش)، اسکاتلندی از دیگر دانشمندان علم ژئوپولیتیک با ارائه نظرات خود، خاورمیانه، خلیج فارس و دریای عمان را بخشی از کلیدی ترین مناطق جهان دانست که این نگرش بر سایر جغرافیایانویسان سیاسی جهان نیز تأثیرات فراوان گذارد. علاقه مکیندر به شناخت تحولات تاریخی سبب گردید تا او به رابطه و پیوندهای جغرافیا و تاریخ، تأثیرات متقابل آن بر یکدیگر و شکل گیری وقایع جهانی بپردازد (parker، ۱۹۸۲: ۱-۲).

دولت دریایی بریتانیا نمونه ای اصلی از مناطقی بود که می توانست صحنه تبلور برخی از اندیشه های او را در آن بازایی نمود. در نتیجه مباحث مکیندر در آثار ابتدایی عمدتاً با تمرکز بر جغرافیای انگلستان، بررسی و تحلیل گردید (mackinder، ۱۹۶۲: ۲۱۳، ۲۳۷-۲۳۶).

1- Sir Halford Mackinder

مکیندر در سال ۱۲۸۳/۱۹۰۴ش، با نگارش سلسله مقالاتی به بررسی بخش‌های جغرافیایی حساس جهان و تأثیرات آن در شکل‌گیری تحولات تاریخی پرداخت. اوراسیا (آسیا-اروپا) هسته مرکزی این پژوهش بود. او اروپا و آسیا را یک واحد قاره‌ای بزرگ تصور نمود و آن را اوراسیا نامید. اوراسیا با ۵۴ میلیون ارضی کیلومتر مربع و ۴/۶۱۱/۳۰۷/۴۳۹ نفر و ۷۱٪ از جمعیت جهان، وسیع‌ترین واحد راضی و دریایی بر روی کره زمین است. مکیندر، بخش شمالی-مرکزی اوراسیا را ناحیه محوری دنیا و هارتلند^۱ یا قلب جهان دانست. در این نظریه روسیه به منزله یک دژ قدرتمند با هارتلند عمل می‌نمود (mackinder, ۱۹۲۶: ۱۱-۶).

هارتلند از مناطق راس قطب شمال تا سرزمین‌های موسمی اطراف اقیانوس آرام و هند امتداد می‌یافت و شرق نزدیک، دریاهای پنج‌گانه در محدوده خاورمیانه و اروپا را نیز دربرمی‌گرفت و در تقسیم‌بندی مشخص‌تر از ولگاتا رودخانه یانگ‌تسه و از هیمالیا تا قطب شمال وسعت داشت. از دیدگاه مکیندر، هارتلند عمدتاً در روسیه شوروی به استثنای اطراف نواحی ولادی وستک بود. او اوراسیا را به اضافه قاره آفریقا جزیره جهانی ۲ و مجموعه‌ای از سرزمین‌های آمریکا، استرالیا، ژاپن و جزیره انگلستان را جزیره پیرامونی ۳ نامید. بر این اساس، هسته مرکزی شمالی اوراسیا، منطقه محوری یا حکومت محوری در جهان سیاست بود. آلمان، اطیش، ترکیه، هند و چین و خاورمیانه در هلال داخلی هارتلند و بریتانیا، آمریکای جنوبی، استرالیا، آمریکا، کانادا و ژاپن جز هلال بیرونی هستند. از زاویه دیگری او جهان را به سه بخش عمده تقسیم نمود:

۱- جهان را در بر گرفته است $\frac{۹}{۱۲}$ سرزمین‌های اقیانوسی که

۲- قاره بزرگ که آسیا، آفریقا و اروپا را پوشانده و جزیره جهانی است.

۳- چندین جزیره کوچک شامل بریتانیا، ژاپن، آمریکا شمالی و جنوبی و استرالیا، از دیدگاه مکیندر جزیره جهانی شامل شش بخش عمده است.

1- Heartland

2- the word island

3- the peripheral island

سرحداث دریایی اروپای غربی و مرکزی، سواحل موسمی آسیا در حدود هند، چین، آسیای جنوب غربی، کره و سیبری شرقی، صحرا در شمال آفریقا و هارتلند در بخش مرکزی اوراسیا که مغز و هسته اصلی حکومت جهانی است.

مکیندر در این تقسیم‌بندی، شبه‌جزیره عربی، خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای عمان و سرزمین‌های جنوب غربی آسیا را مرز جنوبی هارتلند قرار داد. بر این اساس مرزهای هارتلند و جزیره جهانی در جنوب تا سواحل بلوچستان ایران در کرانه دریای عمان امتداد می‌یافت. بر اساس تئوری مکیندر، هر قدرتی که بر جزیره جهانی مسلط گردد بر ۵۰٪ از منابع و ذخایر جهان استیلا خواهد یافت. کنترل بر هارتلند به منزله کلید فتح جزیره جهانی می‌باشد. سرانجام مکیندر نتیجه گرفت که هر کس شرق اروپا را اداره نماید بر هارتلند یا سرزمین‌های قلبی دنیا فرمان می‌راند، هر کس بر هارتلند فرمان براند جزیره جهانی را تحت اداره خود دارد و هر کس بر جزیره جهانی استیلا یابد، فرصت و امکان حاکمیت و اداره بر تمامی بخش‌های کره زمین را دارد (، ۱۹۲۶: ۱۵۰-۶۸-۳۰-۲۸-۴).

۳- نیکولاس اسپایکمن^۱

در نیمه نخست قرن بیستم نیکولاس اسپایکمن دیگر نظریه‌پرداز جغرافیای سیاسی جهان با اندیشه‌های خود بر اهمیت خاورمیانه، خلیج فارس و دریای عمان در تحولات بین‌المللی ورزید. اسپایکمن (۱۸۹۳/۱۹۴۳، ۱۲۷۲/۱۳۲۲ش) مدرس آلمانی‌الاصل آمریکایی دانشگاه یل در نخستین آثار خود در ارتباط با مسائل ژئوپولیتیک با عنوان «جغرافیا و سیاست خارجی»، پدیده‌های جغرافیایی و طبیعی، میزان جمعیت و رشد آن، نوع حکومت، تمرکز سیاسی و شخصیت حکومتگران را از عوامل مؤثر در شکل‌گیری سیاست خارجی و بالندگی تحرکات برون مرزی یک کشور دانست (Spykman، ۱۹۳۸: ۲۸).

او با تأکید بر حکومت‌های و نیز، هلند و بریتانیا، کنترل بر دریاها و اقیانوس‌ها را یکی از عوامل قدرت‌زا و لازمه اصلی برای پیدایش یک قدرت جهانی معرفی کرد (Op.cit، ۱۹۳۸: ۳-۳۲؛ ۲)

1- Nicholas J. Spykman

اسپایکمن به مانند مکیندر، روسیه را یک هارتلند یا سرزمین قلبی دانست و خاورمیانه، اقیانوس هند، خلیج فارس، و دریای عمان را جزء مناطق کلیدی و تأثیرگذار بر دیگر نواحی جهان محسوب نمود. اسپایکمن در بخش دوم نوشتار خود با بررسی کشورهای که دارای مرزهای توأمان ابی و خاکی هستند، آنان را دارای توانمندی خاص دفاعی و تهاجمی نظامی معرفی کرد. او در پژوهش دیگری مجدداً بر اهمیت این گونه سرزمین‌ها و تأثیر آن در شکل‌گیری قدرت‌های بزرگ جهانی را تأکید ورزید (SPYKman and Rollins، ۱۹۳۹: ۲۲۸-۲۱۴، ۲۹).

مقارن با جنگ بین‌الملل دوم در کتاب جدید خود به نام «استراتژی آمریکایی در سیاست جهانی، ایالات متحده و توازن قدرت»، قدرت واقعی حکومت‌های سیاسی جهان را وابسته به مجموعه مسائلی چون وضعیت طبیعی سرزمینی و مرزهای آبی و خاکی آن، میزان جمعیت، کانی‌های زیرزمینی، مواد طبیعی، تولیدات، توسعه اقتصادی، بهره‌وری از تکنولوژی و تمرکز سیاسی دانست (spykman، ۱۹۴۲، ۱۲۰-۱۱۷).

او با بررسی جزئیات رقابت قدرت‌های بزرگ در حوزه اقیانوس آرام و اطلس، و با پیروزی از سایر جغرافیا نویسان سیاسی به‌ویژه مکیندر، جهان را به بخش‌های مهم و تأثیرگذار تقسیم نمود. بر این اساس، اروپا، آسیا و خاورمیانه، قاره بزرگ یا اوراسیا را تشکیل می‌دادند که روسیه بخش داخلی و هسته مرکزی یا هارتلند بود. اوراسیا یا هارتلند را دریاهای شمال، بالتیک، دریای اروپای غربی، مدیترانه، دریای سرخ، اقیانوس هند، شرق دور و هند و چین و به‌ویژه دریای عمان و خلیج فارس فرا گرفته‌اند که به منزله شاهراه‌های برای اتصال اقتصادی و نظامی مناطق گوناگون به یکدیگر عمل می‌کنند. او سرزمین‌های میان هارتلند و شاهراه‌های دریایی را مناطق حاشیه‌ای یا ریملند نامید که شمال اروپا، چین، هند و چین، سیبری شرقی، آسیای جنوب غربی، خاورمیانه، ایران و خلیج فارس و دریای عمان بودند. اسپایکمن، خاورمیانه، خلیج فارس و آسیای جنوبی غربی را از نواحی ویژه استراتژیک در صحنه جهانی دانست که با داشتن منابع عظیم نفت و انرژی در منطقه اوراسیا، محل گذر راه‌های بازرگانی منتهی به قلمرو هارتلند مرکزی نیز قلمداد می‌گشت. اسپایکمن شرق نزدیک را نیز از مناطق حساس در جهان دانست، زیرا جاده‌های منتهی به

اقیانوس هند و سپس خاورمیانه که اروپا به ذخایر نفتی آن سخت وابسته بود، از این بخش عبور می‌کرد (ibid، ۱۸۴-۱۲۱).

مجموعه‌ای از نظرات اسپایکمن پس از مرگ او در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۳/۱۳۲۲ش، تحت عنوان جغرافیای صلح در سال ۱۳۲۲/۱۹۴۴ش، منتشر گردید. در این اثر نیز بر اهمیت هارتلند و به‌ویژه سرزمین‌های پیرامونی یا ریملند^۱ چون خاورمیانه و خلیج فارس تأکید شده بود (spykman، ۱۹۴۴: ۴۱-۳).

به اعتقاد اسپایکمن ایران با در اختیار داشتن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان نقش برجسته پدافند بحری را در منطقه‌ای دارد که صحنه رقابت میان دول ابر قدرت شرق و غرب است. در این فرآیند، تنگه هرمز مرکز ریملند بوده و بخش‌های شمالی، جنوبی، غربی و شرق ریملند را به یکدیگر پیوند داده است. کنترل بر این چهار بخش به منزله استیلا بر چهار ناحیه استراتژیک مختلف جهان است. سواحل ایران در خلیج فارس و دریای عمان با قرار گرفتن در منطقه‌ای از ریملند که در محاصره آب‌ها قرار دارد، امکان برخورد نظامی قدرت‌های بری و بحری را فراهم می‌کند (اطاعت، ۱۳۷۶: ۳۳). اسپایکمن سرانجام نتیجه‌گیری نمود که هر کس بر ریملند حکومت کند بر اوراسیا حاکم است و کسی که بر اوراسیا حاکمیت داشته باشد بر جهان استیلا خواهد داشت و می‌تواند سرنوشت کره زمین را تعیین نماید. بدین ترتیب ریملند با اهمیت فوق‌العاده در استراتژی‌های نظامی و اقتصادی ابر قدرت‌ها، همواره صحنه تقابل میان نیروهای بزرگ جهانی خواهد بود (spykman، ۱۹۴۴: ۴۱-۳).

نظریات مکیندر و اسپایکمن پس از جنگ جهانی دوم و در دوران جنگ سرد نیز مورد توجه جغرافیانویسان سیاسی قرار گرفت. دیوید هوسون در سال ۱۳۴۱/۱۹۶۲ ش، با انتشار مقاله‌ای با عنوان هارتلند نوین شوروی با بهره‌گیری از تفکرات مکیندر و اسپایکمن عنوان نمود که میان نواحی میان منطقه ولگا وسطی و دریاچه بایکال در اتحاد شوروی بخش

1- Rimland: سرزمین‌های پیرامونی یا حاشیه‌ای

اصلی هارتلند می‌باشد زیرا این ناحیه بیشترین ذخایر طبیعی و جمعیت جهان را در خود جای داده است (hoosen، ۱۹۶۲: ۲۳-۱۶).

نظریات اسپایکمن بر سیاست خارجی آمریکا در دوران تقابل تکنولوژیک و تنش‌های اتمی با شوروی تأثیر فراوانی گذارد. بر این اساس تسلط این دو قدرت بزرگ جهانی بر مناطق راهبردی طبیعی از جمله دریاها، اقیانوس‌ها و گذرگاه‌ها امکان توسعه بیشتر حاکمیت سیاسی، نظامی و اقتصادی را فراهم می‌آورد (gray، ۱۹۹۹: ۱۸-۶)، (owen، ۱۹۷۷: ۱۸-۱۲).

۴- سوئل کوهن^۱

سوئل کوهن مدرس جغرافیا در دانشگاه بوستون و استاد مدعو در کالج نظامی نیروی دریایی آمریکا در ابتدای دهه ۴۰/۶۰ ش با ارائه نظریاتی جهان را به دو بخش ژئواستراتژیک تقسیم نمود. بر این اساس این تئوری جهان به دو قلمرو عمده دریایی که به تجارت وابسته است و قاره اوراسیا تقسیم می‌گردد. او با تقسیم‌بندی کشورها بر اساس توانایی اقتصادی و نظامی به جهان اول و دوم و سوم، میزان حاکمیت آنان را بر این دو قلمرو بررسی کرد. او با نظریه کمربندهای شکننده که خاورمیانه نیز بخشی از آن شمرده می‌شود، به رقابت نیروهای بحری آمریکا و بری اتحاد شوروی در حوزه خلیج فارس و دریای عمان پرداخت که در نتیجه اهمیت فراوان این منطقه در معادلات جهانی ابر قدرت‌ها می‌باشد (cohen، ۱۹۶۳: ۲۶-۲۳).

۵- بوریس فون لوهازن^۲

بوریس فون لوها زن ژنرال بازنشسته اتریشی در کتاب خود با عنوان «خلیج فارس جنگی بر ضد اروپا» در ارتباط با اهمیت خلیج فارس و دریای عمان می‌نویسد:

«خاورمیانه مرکز دنیای قدیم است. مرکزی که در دل آن منطقه خلیج فارس قرار دارد. هرگونه آشفتگی که بر اثر عوامل بیرونی در این منطقه پدید آید، پیامدهایی را برای دو قاره اروپا و آفریقا خواهد داشت. هر قدرتی که در اینجا استقرار یابد به صرف همین واقعیت یعنی

1- saul Cohen

2- boris von lohasen

موقعیت استراتژیک می‌تواند به عنوان پشتیبان یا تهدیدی همه‌جانبه برای جناح‌ها و یا خطوط جبهه نه فقط کشورهای خاورمیانه که ورای آن، جناح‌ها یا خطوط سومی را در برابر ابر قدرت نظامی روسیه و حتی چین تشکیل دهد و خطوط جبهه کشور متحد آمریکا (ترکیه) را در برابر مسکو تقویت کند و بر کشورهای مصر، سوریه، ایران، اروپا و ژاپن عمدتاً از طریق نفت فشار وارد سازد» (پایگاه اصلاع رسانی اولین خبر، ۱۳۸۷: ۱-۲).

«تحولاتی که در این منطقه ایجاد شود، مانند سنگی است که در دریاچه‌ای می‌افتد و امواج آن در تمام سطح دریاچه مشاهده می‌شود» (کیهان، ۱۳۸۴: ۳). لوهازن در سال ۱۳۷۵/۱۹۹۶ ش در کتاب دیگر خود بنام «امپراطوری‌ها و قدرت، ژئوپولیتیک امروزی» با تقسیم‌بندی جغرافیایی جهان بر اهمیت مجدد منطقه خاورمیانه و حوزه‌های دریایی آن تأکید نمود. به اعتقاد وی قاره‌های جهان به مانند سه نوار خاکی از شمال به جنوب کشیده شده‌اند. نوار اول شامل قاره آمریکا است که از آلاسکا تا سرزمین‌های گرم ادامه دارد و دنیای جدید را در برمی‌گیرد. نوار دوم شامل اوروآفریقا (اروپا- آفریقا) است که از دماغه شامل به سوی دماغه امیدنیک کشیده شده و دنیای قدیم را تشکیل می‌دهد. نوار سوم از کامچاتکا به تاسمانی بوده و از چین، آسیای جنوب شرقی و اندونزی می‌گذرد و شامل آسیای دور و استرالیا نیز می‌شود. میان نوار دوم و سوم سرزمین سیبری و در مرزهای جنوبی آن خاورمیانه قرار دارد. هر قدرتی که بر منطقه خلیج فارس استیلا یابد، توانایی فشار بر اروپا و ژاپن را می‌یابد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۳). بدین ترتیب موقعیت سوق الجیشی خلیج فارس و دریای عمان سبب گردیده است تا همواره در تئوری‌های دانشمندان ژئوپولیتیک جهان از اهمیت فراوانی برخوردار باشد.

نتیجه‌گیری

کشورها از نظر موقعیت طبیعی از دو دیدگاه ارزیابی می‌گردند: (۱) از نظر موقعیت ریاضی آن بر روی کره زمین که از روی مدارات و نصف‌النهارات مشخص شده و مکان مطلق خوانده می‌شود. (۲) از جهت مکان نسبی، موقعیت ریاضی یک کشور که در واقع میزان دوری یا نزدیکی به خط استوا و دو قطب را مشخص می‌کند تعیین‌کننده شرایط آب و هوایی یک کشور است. منظور از موقعیت نسبی نزدیکی یا دوری از دریا، یا مجاورت با یک دولت پر

قدرت و توسعه طلب است. کشورهای جزیره‌ای و یا کشورهای که به کلی در خشکی محاط شده‌اند، دولت‌هایی که مجاور یک کانال و یا تنگه بین‌المللی استراتژیک قرار دارند، مزایا و مشکلاتی دارند که بررسی آنها از نظر جغرافیای سیاسی مهم است. از طرف دیگر باید دانست که گرچه مکان نسبی یک دولت ثابت است ولی اهمیت آن با گذشت زمان تغییر می‌کند و بیشتر معلول جابه‌جایی قدرت و تغییر در برداشتها و ادراکات جامعه بین‌الملل است. در ارزیابی قدرت هر دولت، عامل دوری یا نزدیکی با دریا، همواره مورد نظر بوده و براساس همین عامل نظریه‌های مهم ژئوپولیتیک هارتلند (مکیندر) و تفوق قدرت دریایی (ماهان) ارائه شده است. از نظر جغرافیای سیاسی یکی از پیچیده‌ترین مسائل در روابط بین‌الملل دسترسی دولت‌های محصور در خشکی (بدون ساحل) به دریا و منابع آن است. دولت‌های محصور در خشکی برای دسترسی به دریا هیچ راهی جز عبور از سرزمین کشور دیگری که سر راه آنها واقع شده، ندارند. اگر دولت معبد (ترانزیت) دارای راه‌های پیشرفته و تسهیلات بندری کافی باشد و رفتاری دوستانه و توأم با همکاری در پیش گیرد مسأله‌ای به وجود نمی‌آید، ولی اغلب مشاهده می‌شود که عبور مستلزم پرداخت عوارض سنگین بوده و به دلیل موانع مختلف به حالت تعلیق در می‌آید در نتیجه باعث انزوای دولت محصور در خشکی می‌شود امروز حدود سی کشور در خشکی محاط بوده، از دسترسی مستقیم به دریا محروم‌اند. کشورهایی که در کنار یک معبر بسیار مهم و یا تنگه بین‌المللی قرار دارند از اهمیت استراتژیک برخوردارند. تنگه‌های مهم هرمز، بسفر، داردانل، ساند، باب‌المندب، جبل‌الطارق، مالاکا، سنگاپور و کانال‌های سوئز و پاناما معبرهایی هستند که از نظر سیاسی و استراتژیک اهمیت زیادی دارند. تمام خاک یک کشور یا بخشی از آن، تحت شرایط خاص ممکن است اهمیت نظامی داشته باشد بدین معنی که از این مناطق می‌توان بر دریا و خشکی از نظر دفاعی اشراف داشت و یا به نقاط مورد نظر حمله کرد. بر این اساس خلیج فارس با اتصال به تنگه هرمز که شریان حیاتی انرژی جهان محسوب می‌گردد و دریای عمان و اقیانوس هند، نزدیکی به مرزهای دریایی و زمینی منطقه بحران‌خیز خاورمیانه و مجاورت با حوزه قفقاز از ژئواستراتژیک‌ترین مناطق جهان در سیاست‌های نظامی منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌گردد.

منابع

- ۱- احمدیان، محمدعلی (۱۳۸۲)، *ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی*، مشهد، استان قدس رضوی.
- ۲- اطاعت، جواد (۱۳۷۶)، *ژئوپولیتیک و سیاست خارجی ایران*، تهران، سفیر.
- ۳- الهی، همایون (۱۳۷۰)، «*خلیج فارس و مسائل آن*»، تهران، قومس.
- ۴- بندر و دریا (۱۳۸۶)، *قدرت دریایی در گروی نگاهی نو*، ش ۱۴۱، س ۲۲.
- ۵- بیومونت، پیتر و دیگران (۱۳۶۹)، *خاورمیانه، محسن شانه‌چی و گروه مترجمان*، مشهد، استان قدس رضوی.
- ۶- پایگاه اطلاع‌رسانی اولین خبر (۱۳۸۷)، *نفت و آینده امنیت خلیج فارس*.
- ۷- تقوی اصل، عطا (۱۳۸۲) *ژئوپولیتیک جدید*، تهران، وزارت امور خارجه.
- ۸- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۱)، *ژئوپولیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- ۹- چمنکار، محمدجعفر (۱۳۸۵)، «*جایگاه خلیج فارس و دریای عمان در توسعه روابط اقتصادی هزاره‌های پیش از میلاد*»، تاریخ روابط خارجی، س ۷، ش ۲۸.
- ۱۰- دراسیدل، الاسدیر (۱۳۶۹)، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- ۱۱- صفوی، یحیی (۱۳۸۵)، «*خلیج فارس و جزایر آن*»، سپهر، دوره ۱۵، ش ۵۹.
- ۱۲- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۲)، *ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم*، تهران، سمت.
- ۱۳- ----- (۱۳۸۲)، *ژئواستراتژی*، تهران، سمت.
- ۱۴- کیهان، (۱۳۸۷)، *امریکا و خاورمیانه بزرگ*.
- ۱۵- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، *جغرافیای تاریخی و سیاست جغرافیایی*، تهران، سمت.
- ۱۶- نیک‌ضمیر، عباس (۱۳۸۲)، *امنیت و خلیج فارس*، تهدیدها و راهبردها، تهران، پرسمان.

- 17- Crowl, Philipa, (1986), "Alfred Thayermahan", The Naval Historian In Makers of Modern Strategy from Machiavelli to the Nuclear AG. Ed. Peter, Oxford, Clarendon Press.
- 18- Columbia EncycloPedia, (2003), Mahan Alfred Thayer, Sixth Edition, Bartleby, Com, Great Book on Line.
- 19- Hoosen, David, (1962), "A New Soviet Heartland", The Geographical Journal, vol 28, No 1 march.
- 20- Gray, Colins (1977), "The Geopolitics of The Nuclear Era", Heart Land, Rim Lands and The Technological Revolution, Newyork, Crane Russak and Company.
- 21- Livezell, William, E, (1981), Mahan on Sea Power, Norman ok, University of Oklaoma Press.
- 22- Mahan, Alfred Thayer, (2006), The major Operation of The Navies in the War of Amirican Independence, Boston, Little Brown.
- 23- // (1892), "The Influence of Sea Power Up.n The French Revolution and Empire, 1793-1812, New Haven, Yale University Press.
- 24- // (1899), "Lessons of the War with Spain and Other Artieles".
- 25- // (1897), "The Interest of Ameriea in Sea Power Present and Future".
- 26- // (1980), "The Influence of Sea Power upon History", 1660-1783, 1890.The Cambridge University.
- 27- // (1890), "The United States Looking out World", Atlantic Montly, Lxvi, December.
- 28- // (1900), "The Problem of Asia and Its Effect upon International Policies".
- 29- Mackinder, W.H Parker, (1982), "Geography as an Aid to Statecraft", Oxford, Clarendon Press.
- 30- // (1962), "On the Scope and Methods of Geography", Newyork, Norton and Company.

- 14- // (1926), "The Feographical Pivot of History, in Democratic Ideais and Reality", Astudy in the Pplitics of Reconstruction, London, Constable and Co. Ltd, 1919, Newyork, Norton And Co.
- 15- Spykman, Nicholas (1938), "Geography and Foreign Policy", The American Political Science Review, VolxxxII, No.1 February.
- 16- // (1932), "Geographic Objectives in The American Political Science Review", Vol xxxIII, No. 3, June.
- 17- // (1942), "America Strategy in World Politics, United States and the Balance of Power, Newyork, Harcourt, Brace and Company.
- 18- // (1942), "The Geography of the Peace", Newyork, Harcourt, Brace And Co.
- 19- Cohen, Saul, (1962), "Geography and Politics in a World Divided", Newyork, Random house.
- 20- Seager, Robert, (1977), "Alfred Thayer Mahan", The Man and His Letters, Annapolis, MD Naval Insitute Press.